

تولد و مرگ در «ساعت جنایت»!

مردی هنگام تولد فرزندش، به دنبال آدمکشی رفت

ار سال پیامک و تماس های تلفنی کشید. در این میان شدت علاقه عاطفی من به سوری هر لحظه بیشتر می شد و در واقع سنگ صبور شده بودم. هنوز بیشتر از دو ماه از این ارتباط نامتعارف نگذشته بود که روزی پیشنهاد قتل همسرش را مطرح کرد. اگر چه خیلی تردید داشتم و سعی می کردم او را از این تصمیم منصرف کنم ولی وسوسه های شیطانی، هایم نمی کرد به همین دلیل در نقشه شوم این جنایت با سوری همراه شدم تا برای رسیدن به یکدیگر، همسرش را از میان برداریم! قرار بود سوری با دادن سم یا قرص همسرش را به قتل برساند و من هم به او کمک کنم ولی موفق نشدیم. حتی یک بار چند روز قبل از وقوع جنایت هم تلاش برای قتل او به نتیجه نرسید که با شیرموز و چای آلوده باز کردن شیر گاز قصد داشتیم نقشه این جنایت را اجرا کنیم!



بردن لباس برای نوزاد، همسرش را به محل جنایت کشاند. او به من که در بیمارستان بودم پیامک داد که به شوهرش قرص زیادی خورانده و اکنون خیلی گیج است! من هم که به دنبال این شرایط بودم بلافاصله برای آوردن لباس های نوزاد از بیمارستان خارج شدم و نزد سوری رفتم. دو نفری پیکر بیهوش شوهرش را درون پر اید سفید انداختیم و به جاده نغندر بردیم. آن جا من

سجاد پور- مرد ۳۴ ساله ای که حدود ۹ سال قبل و در لحظه تولد اولین فرزندش به دنبال عشقی هوس آلود، شوهر یکی از بستگانش را به قتل رسانده بود، از این جنایت هولناک را در بازسازی صحنه قتل فاش کرد.

به گزارش اختصاصی خراسان، «مهدی-ب» مردی که حدود دو ماه قبل به اتهام قتل هولناک یک جوان ۳۰ ساله و با صدور دستور ات ویژه قضایی دستگیر شده بود، در اعترافاتی تکان دهنده را از این جنایت را در حضور دادستان عمومی و انقلاب طر قبه شانندیز فاش کرد.

متهم این پرونده جنایی که پس از تکمیل تحقیقات و بازجویی های تخصصی و با دستور بازپرس ناصری (بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب طر قبه شانندیز) توسط کارآگاهان پلیس آگاهی به محل را هر دن جسد هدایت شده بود، مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد تا زوایای پنهان این جنایت را روشن کند. هنگام بازسازی صحنه قتل که با حضور قاضی سیدهادی سبحانی (دادستان) صورت گرفت ابتدا سرگرد قیاطی

(رئیس پلیس آگاهی طر قبه شانندیز) به تشریح خلاصه ای از محتویات پرونده و چگونگی دستگیری متهمان با دستور ات ویژه دادستان پرداخت و سپس «مهدی-ب» (متهم ۳۴ ساله) پس از تفهیم اتهام از سوی قاضی پرونده که مواظب اظهارات خود باشد و حقیقت ماجرا را بیان کند،

لب به اعتراف گشود و گفت: من و سوری (همسر مقتول) چند ماه قبل از جنایت و در رفت و آمدهای خانوادگی به یکدیگر دل بستیم. آن زمان سوری از همسرش بسیار عصبانی و ناراحت بود. او می گفت: همسر معتاد مرا کتک می زند به طوری که از زندگی با او خسته شده ام! متهم افزود: در ددل های او با من ادامه یافت و مدام از شرایط بد زندگی اش ناله می کرد تا این که روابط ما به

سابقه خبر

دوازدهم مهر سال ۸۹، رهگذری در تماس با پلیس ۱۱۰، از وجود جسدی در زمین های کشاورزی اطراف جاده نغندر در منطقه طر قبه شانندیز خبر داد. دقایقی بعد با حضور قاضی کشیک دادگستری و نیروهای انتظامی در محل کشف جسد، تحقیقات در این باره آغاز و مشخص شد جسد مربوط به جوان ۳۰ ساله ای به نام «ح-ج» است که با وارد آمدن ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. با شناسایی هویت جسد، همسر مقتول که ماجرای گم شدن شوهرش را به پلیس گزارش کرده بود، مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: همسر نهم مهر (سال ۸۹) سوار بر تاکسی از منزلمان واقع در بولوار عدل خمینی (ره) خارج شد و دیگر

از ارتباط مخفیانه با مهدی چند بار تصمیم به قتل گرفتم اما می ترسیدم و دستانم می لرزید! دست و پایم را گم می کردم به همین دلیل نتوانستم نوشیدنی های آلوده را به او بخورانم. تا این که گزارش خراسان، در پی اعترافات صریح متهمان و بدستور مقام قضایی، بازسازی صحنه قتل به پایان رسید و متهمان برای سیر مراحل قانونی پرونده روانه زندان شدند.



آن جا موفق شدم قرص ها را به او بخورانم و سپس موضوع را به مهدی اطلاع دادم! او کارمند بانک بود و به یکدیگر علاقه مند شده بودیم ولی نمی دانم چگونه این ماجرا بعد از ۹ سال لورفت. بنابر گزارش خراسان، در پی اعترافات صریح متهمان و بادستور مقام قضایی، بازسازی صحنه قتل به پایان رسید و متهمان برای سیر مراحل قانونی پرونده روانه زندان شدند.

جنایی را زیر ذره بین قرار داده بودند، به سرخ هایی رسیدند که نشان می داد همسر مقتول در هیچ مرکز اداری و انتظامی و حتی دادگستری شماره تلفنی از خود به جا نگذاشته است، همین موضوع ظن شوهرم از او موادمی گرفت و گاهی هم برای او مواد فروشی می کرد به قتل رسیده باشد! گزارش خراسان حاکی است، چند روز بعد تاکسی رها شده مقتول چند خیابان بالاتر از محل سکونتش کشف شد و بدین ترتیب بررسی های تخصصی پلیس در این باره ادامه یافت تا این که حدود دو ماه قبل کارآگاهان پلیس آگاهی که با هدایت و راهنمایی سرهنگ علی اکبر حسین پور (فرمانده انتظامی طر قبه شانندیز) این پرونده دام انداختند.

سرق ت به خاطر عشق به پسر عمو!

سرق ت را کشیده است، بنابر این با مصاحبه و بازجویی از فروشندگان و همکاران مغازه شاکي کارآگاهان متوجه می شوند که یکی از فروشندگان به نام وحید ۳۰ ساله حدود یک سال است برای شاکي کار می کند که با توجه به حرف های ضدو تقیض و با توجه به ادله به دست آمده در نهایت لب به اعتراف گشود و به سرق ت مغازه با همدستی دختر عموش به نام فاطمه ۲۷ ساله اعتراف کرد. رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تصریح کرد: وحید در اظهارات خود گفت، به علت مشکلات مالی نقشه سرق ت را کشیدم و در روزی که ریموت کنترل مغازه در دستم بود، در فرصتی از رویش کپی کردم و با طرح نقشه ای از دختر عموم کمک گرفتم و سرق ت را انجام دادیم. هم اکنون تمام اموال مسروقه را اختیاروی است. به گفته علیزاده، در گام بعدی با همکاری متهم، دختر عموی وی نیز طی عملیاتی دستگیر و در بازرسی از منزل او اموال مسروقه کشف و سپس از انتقال فاطمه به پایگاه هفتم ضمن قبول بزه انتسابی علت همدستی خود را با وحید، قول ازدواج وی اعلام کرد و گفت به خاطر عشقی که به او داشتم تن به این سرق ت دادم.

رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ، از دستگیری سارقان مغازه نقره فروشی بازار تهران خبر داد و گفت: سارقانی که به سرق ت دو میلیارد ریال نقره اقدام کرده بودند، بازداشت شدند. به گزارش میزان، سرهنگ کارآگاه حمدا... علیزاده گفت: ۶ اسفند امسال فردی با حضور در پایگاه هفتم اظهار کرد، در بازار تهران مغازه نقره فروشی دارم، ساعت ۹ صبح پنجم اسفند ماه وقتی در مغازه را باز کردم دیدم مغازه به هم ریخته است و حدود ۱۰ کیلو زیور آلات نقره به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان که در مغازه داشته ام به سرق ت رفته است. به گفته علیزاده، کارآگاهان پس از اظهارات شاکي برای بازبینی و بررسی محل وقوع جرم راهی بازار تهران شدند که با پیش فیلم ضبط شده توسط دوربین های مدار بسته متوجه شدند سرق ت توسط خانم انجام شده که با پوشاندن صورت خود، توسط ریموت کنترل در مغازه شاکي را باز می کند و پس از سرق ت متواری می شود. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات، فرضیه را سرق ت داخلی تشخیص دادند و احتمال می دهند فردی که به ریموت کنترل مغازه دسترسی داشته، نقشه

کشته های مسمومیت الکلی به ۷۱ نفر رسید

مرد بوده اند. سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز بیان کرد: میانگین سنی این افراد مسموم ۳۴ سال است که کم سن ترین فوتی ۱۵ ساله و مسن ترین آن ها ۷۲ ساله است. ابول نژادیان تاکید کرد: شایعاتی مبنی بر تاثیر مثبت الکل برای مقابله با کرونا از سوی سودجویان منتشر شد بنابر این از مردم خواهش می کنیم به هیچ وجه اقدام به خوردن الکل نکنند چرا که هیچ گونه اثری بر روند درمان کرونا ندارد. علی بیرانوند معاون دادستان اهواز نیز در این خصوص گفت: تا کنون ۱۷ نفر در این زمینه شناسایی و بازداشت شده اند. در همین حال پزشکی جندی شاپور اهواز نیز شامگاه سه شنبه اعلام کرد: نخستین فرد با عارضه مسمومیت الکلی در خوزستان در تاریخ ۱۶ اسفند به بیمارستان مراجه کرد و تا روز گذشته تعداد مسمومیت با الکل در این استان به ۵۰۲ نفر رسید. وی توضیح داد: دو نفر از فوتی های ناشی از مصرف الکل سمی مربوط به شهرستان رامهرمز و بقیه مربوط به اهواز و همچنین یک نفر از جان باختگان زن و بقیه

هشدار های کرونایی پلیس

- ایمیل های ناشناس با موضوع کرونا و موارد مرتبط را باز نکنید.
- بسیاری از اپلیکیشن های تست کرونا جعلی و حاوی بدافزار است بنابر این تنها از سایت رسمی وزارت بهداشت به آدرس salamat.gov.ir استفاده کنید.
- مراقب خرید های بر خط مواد شوینده و ضد عفونی کننده از سایت های جعلی باشید.
- از اعتماد به اخبار جعلی و شایعات پرهیز کنید.
- مراقب پیامک های دریافت کمک برای بیمارستان ها باشید.
- شهروندان در صورت مشاهده یا اطلاع درباره احتکار یا فروش غیر مجاز اقلام بهداشتی مراتب را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.
- احتمال دارد افرادی با سوء استفاده از ماجرای کرونا و با فروش ماسک های آلوده به مواد بیپوشی اقدام به ارتکاب جرم کنند یا با تارف و هدیه رایگان این گونه اقلام به زور گیری، سرق ت یا جرایم دیگر روی آورند.
- بنابر این از خرید اقلام بهداشتی از مراکز غیر مجاز جدا پرهیز کنید.

سرهنگ محمد بوستانی

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

کلیه مراجعان به مقر های پلیس تب سنجی می شوند

جانشین پلیس پیشگیری ی پایتخت از ضد عفونی روزانه تحت نظر گاه ها و محل های پر تردد و تب سنجی از مراجعان به مقر های پلیس پیشگیری ی پایتخت خبر داد. به گزارش میزان، سرهنگ «جلیل موقوفه ای» از مجهز شدن تمامی کلانتری ها و مقر های پلیس پیشگیری به دستگاه تب سنخ خبر و ادامه داد: در ورودی تمامی مقر ها و کلانتری ها، تمامی کارکنان پلیس و مراجعه کنندگان با این دستگاه ها حرارت سنجی می شوند و اقدامات لازم در خصوص پیشگیری از شیوع این ویروس به عمل می آید.

وی با اشاره به تجهیز شدن کلانتری ها و مقر های پلیس پیشگیری به دستگاه های سم پاش، اظهار کرد: روزانه در چندین نوبت محل های پر تردد مراجعه کنندگان و همچنین تحت نظر گاه ها ضد عفونی و پاک سازی می شود.



روای تباهی!

آن قدر در روای رفتن به خارج از کشور غرق بودم که هیچ گاه فکر نمی کردم در دام دزدان و خلافکاران بیفتم و همه سرمایه و آبرویم را از دست بدهم...

این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۶ ساله ای است که به همراه خواهرش و به دلیل حرکات و رفتار مشکوک در یکی از خیابان های هسته مرکزی مورد ظن مأموران انتظامی قرار گرفته بود. آن ها که در پاسخ به سوالات مأموران انتظامی دچار تناقض گویی شده بودند در نهایت پرده از ماجرای تلخی برداشتند که موجب سرگردانی و حیرانی آن ها در خیابان های شهر شده بود. دختر ۱۶ ساله در حالی که به شدت اشک می ریخت درباره حادثه تلخی که برای او و خواهر ۱۴ ساله اش رخ داده بود، گفت: از مدتی قبل روای زندگی در خارج از کشور فکر و ذهنم را مشغول کرده بود. با خودم می اندیشیدم اگر در خارج از کشور زندگی کنم آزادی کامل دارم و هیچ کس مرا به خاطر ارتباط با جنس مخالف، آرایش یا نوع پوشش سرزنش نمی کند. وقتی در فیلم های ماهواره ای ارتباط آزادانه و مختلط دختران و پسران جوان را می دیدم تحت تاثیر این فیلم ها قرار می گرفتم و سپس با هیجان خاصی ماجراهای عاشقانه ای را که در فیلم ها دیده بودم برای خواهر کوچک ترم تعریف می کردم. هیچ گونه اطلاعی هم درباره چگونگی رفتن

به خارج از کشور یا نحوه زندگی و امرار معاش در کشورهای دیگر نداشتم. فقط افرادی را می دیدم که در ساحل دریا یا مکان های تفریحی به خوش گذرانی مشغول اند و هیچ کس هم کاری به آن ها ندارد. هر چه بیشتر این گونه فیلم ها را تماشا می کردم بر شدت علاقه ام برای زندگی در یکی از شهر های خارجی افزوده می شد. آن قدر غرق در افکار و خیالات خودم بودم که فکر می کردم به محض رسیدن به خارج از کشور همه امکانات رفاهی را بر ایمنم فراهم می کنند و ما فقط به تفریح و خوش گذرانی می پردازیم چرا که من در یک خانواده هشت نفره و در منطقه گلشهر مشهد زندگی می کنم و چهار خواهر و یک برادر دارم. پدرم نیز با خرید و فروش املاک هزینه های زندگی ما را تامین می کند. به همین دلیل قصد داشتم از این شرایط زندگی و سرزنش های دیگران رها شوم و طوری زندگی کنم که هیچ کس به من امر و نهی نکند! در حالی که این فکر در وجودم ریشه دوانده بود به همراه خواهرم در یکی از مراکز تجاری شهر با دو پسر غریبه آشنا شدیم. آن ها مدعی بودند که بارها به خارج از کشور سفر کرده اند و از آن جالباس های خارجی را برای فروش به ایران می آورند.

با شنیدن این حرف ها خیلی خوشحال شدم و روای خودم را برای رفتن به خارج از کشور برای آن دو جوان بازگو کردم به همین دلیل ارتباط تلفنی من و خواهرم با آن دو جوان غریبه در حالی آغاز شد که هیچ شناختی از آن ها نداشتم و هر بار در یکی از نقاط شهر با ما قرار می گذاشتند. آن ها مدعی بودند اگر من بتوانم هزینه های سفر را تامین کنم آن ها من و خواهرم را به ترکیه می برند. من هم که آرزویم فقط رفتن به خارج از کشور بود همه حرف هایشان را باور می کردم و شب ها را با رویای قدم زدن در کنار دریا و مکان های تفریحی و تاریخی به صبح می رساندم در حالی که نمی دانستم این مک ها در کدام کشور قرار دارند. خلاصه هر روز نقشه ای برای به دست آوردن پول می کشیدم تا این که شبی پدرم مقادیری و چه نقد را درون کیف مدار کش گذاشت. من که با دیدن آن پول ها وسوسه شده بودم موضوع را با خواهرم در میان گذاشتم اگر چه او از سرق ت پول های می رسیدا من ما برای رسیدن به رویا هایم دست به هر کاری می زدم ولی طوری که از آن دو جوان غریبه شنیده بودم این مقدار پول برای سفر به خارج از کشور کافی نبود. هنوز نقشه سرق ت پول ها را فراموش نکرده بودم که گه آن یاد سرویس طلای مادرم افتادم و به بهانه ای سراغ چمدانی رفتم که مادرم طلاهایش را درون آن نگهداری می کرد.

همان شبانه تصمیم نهایی را گرفتم و با سرق ت پول و طلا ها به همراه خواهرم از خانه فرار کردیم. آن شب با آن دو جوان غریبه تماس گرفتم که آن ها ما را از کوچه و پس کوچه های حاشیه شهر به یک خانه مجردی بردند تا فردا مقدمات سفر ما به خارج از کشور را فراهم کنند ولی آن ها من و خواهرم را فریب دادند و روز بعد با سرق ت پول و طلا ها ما را در خیابان رها کردند و به مکان نامعلومی گریختند این در حالی بود که ما هیچ مشخصاتی از آن ها نداشتم و محل آن خانه مجردی را نیز نمی دانیم چرا که در تاریکی شب به نقطه دیگری از شهر رفته بودیم. اکنون نیز چند روز است در خیابان های شهر به دنبال آن دو جوان غریبه می گردیم و از رفتن به منزل لمان می ترسیم.

شایان ذکر است، اقدامات قانونی برای تحویل دختران نوجوان به خانواده شان از سوی نیروهای انتظامی انجام شد و دو جوان مورد ادعای آن ها نیز تحت تعقیب قرار گرفتند. ماجرای واقعی بر اساس یک پرونده قضایی



واژگونی خودرو در بولوار وکیل آباد مشهد ۳ مجروح به جا گذاشت



امداد رسانی آتش نشانان به کارگر مصدوم در حادثه سقوط های آهنی

شلوار لی و کتان
۶۹ هزار تومان
کت و شلوار ۱۲۹ تومان
کاپشن بهاره ۱۲۹ تومان

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز

بانه فیش حج
به سرزمین وحی سفر کنید
خرید - فروش - تمنع - عمده
نیش معلم ۱۳ - پلاک ۱
۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز

حراج بزرگ پوشاک
۶۰ درصد تخفیف
فقط ۷ روز
نوس ۶۵ نیش نصف ۴
پوشاک هاگ واج

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز

شیراز
شیراز
شیراز
شیراز